

متوازن نمودن تحصیلات دانشگاهی با نیازهای کشور: مسائل و راهکارهای معطوف به آموزش عالی

معصومه قارون *

چکیده

روند افزایش بیکاری دانش‌آموختگان آموزش عالی در کشور، مباحثی را در مورد لزوم بازنگری در برنامه‌ها و محتوای دروس این دوره مطرح ساخته و اگرچه این مشکل تا حد زیادی به علل ساختاری باز می‌گردد، بررسی مسائل مربوط به محتوای دوره‌ها ضروری است. بررسی این موضوع از روش اسنادی و با مراجعه به منابع موجود نشان می‌دهد که بخش مهمی از این مشکل به ساختارهای غیرمنعطف برنامه‌های آموزشی و بخشی هم به ساختارهای غیرمنعطف شغلی در بخش‌های اقتصادی اجتماعی و نامشخص و یا راکد ماندن نیازهای تخصصی آنان باز می‌گردد. واقعیت‌های موجود نشان می‌دهد که هر کجا مسئله بیکاری حادثتر است، سطح دانشبری مشاغل آن بخش نیز پایین‌تر و نیازها شدیدتر است. صرف نظر از کنکاش در ابعاد مختلف بازار کار تحصیلکردگان آموزش عالی، مروری بر نتایج برخی اقدامات انجام شده در جهت نزدیک ساختن برنامه‌های آموزشی با نیازهای بازار کار، از قبیل گسترش دوره‌های علمی - کاربردی، توسعه مراکز رشد و آموزش‌های کارآفرینی و تفویض اختیار به دانشگاه‌ها در امر بازنگری برنامه‌های درسی، حاکی از آن است که اهداف مورد نظر چندان تحقق نیافته و بازنگری در شیوه اجرایی آنها ضروری است. در این راستا و با بهره‌گیری از تحلیل سوابق موجود، راهکارهایی برای بهبود وضعیت انطباق تحصیلات دانشگاهی با نیازهای بازار کار ارائه شده است.

واژگان کلیدی: آموزش عالی، اشتغال، برنامه آموزشی، برنامه درسی، بازار کار

* عضو هیأت علمی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی (مسئول مکاتبات: m_gharun@irphe.ir)

مقدمه

افزایش میزان فارغ‌التحصیلان در رشته‌های مختلف در سال‌های اخیر، دورنمایی ناامیدکننده از اشتغال فارغ‌التحصیلان را به تصویر می‌کشد که علاوه بر مشکلات فردی و اجتماعی، نمودی از اتلاف منابع انسانی و مادی کشور است. غلبه بخش دولتی در جذب دانش‌آموختگان و متورم شدن بخش خدمات به ویژه خدمات عمومی در استخدام سرمایه‌های انسانی کشور نیز از کاستی‌ها و ناکارآمدی‌های بازار کار دانش‌آموختگان است. اگر چه بخش مهمی از مسائل عدم تطابق برنامه‌های آموزشی دانشگاهی با نیازهای شغلی به ضعف مدیریت علمی در بخش‌های اقتصادی، ساختارهای شغلی برگرفته از صنایع وارداتی و مدیریت انعطاف‌ناپذیر و بدون رویکرد علمی است؛ ولی این چالش، کارایی بیرونی دانشگاه‌ها را زیر سؤال برده است و به این اشتباه مفهومی منجر شده است که توانمندی فارغ‌التحصیلان را در حد نیازهای مهارتی مشاغل ارزیابی کنند. به این ترتیب، در بررسی علمی مسأله، ابتدا وظیفه خود می‌دانیم که با دقت در کاربرد مفاهیم به بیان صحیح مسأله پرداخته، سپس با مروری بر اقدامات انجام شده در جهت تطبیق برنامه‌های آموزش دانشگاهی با نیازهای بازار کار به نقد و ارائه راهکارهایی در این مورد پرداخته شود.

پیشینه نظری

تعریف استاندارد و واحد از برنامه درسی دانشگاهی وجود ندارد. برنامه درسی دانشگاهی، تجربیات علمی یا آکادمیک رسمی شده‌ای است که به همراه دوره‌ها یا برنامه‌های مطالعاتی، شامل کارگاه‌های آموزشی، سمینارها، مجموعه سخنرانی‌ها، کارآزمایشگاهی و تجربیات (مهر محمدی، 1381) و معمولاً شامل دروس کلی یا آزاد، دروس دانشگاهی تخصصی، دروس دانشگاهی نیمه تخصصی و دروس اختیاری است (گاف¹، 1996: 8-5). در ادبیات برنامه‌ریزی آموزشی و درسی به رویکردها و الگوهای مختلف برای پیوند آموزش و بازار کار اشاره شده است (بینقی، 1386).

1- رویکرد حرفه‌آموزی: این رویکرد معتقد به ارائه دروس حرفه‌ای محض در مؤسسات خاص و مستقل (مدارس فنی و حرفه‌ای) است. لذا آماده‌سازی نیروی انسانی برای اشتغال از طریق تنوع بخشیدن به رشته‌های فنی و حرفه‌ای در تمام مقاطع

تحصیلی را با استفاده از الگوهای مدرسه - محور¹، کار - محور² و مدرسه / کار - محور³ پیشنهاد می‌کند. رویکرد حرفه‌آموزی با توجه به تغییرات سریع دانش و فناوری، تغییر ماهیت مشاغل، تغییر نوع تقاضای نیروی انسانی و... با چالش‌ها و انتقاداتی مواجه شده است. از جمله اینکه، میزان جذب فارغ‌التحصیل هر دو رشته در بازار کار، کاملاً برابر ولی هزینه‌های آنها متفاوت است. در ایران نیز بررسی‌های مشابه به همین نتایج منجر شد (بینقی، 1386).

2- رویکرد یکپارچه‌سازی آموزش عملی و نظری: با توجه به انتقادات به رویکرد اول، برخی به این باور رسیدند که مرز بین آموزش‌های حرفه‌ای و علمی باید کم رنگ شود. در این رویکرد، ضمن محور قرار دادن مهارت‌های شغلی، به آموزش مبانی نظری رشته نیز توجه کافی می‌شود. در توصیه‌نامه‌های اخیر یونسکو نیز این موضوع تقویت شده است که باید دانش عمومی افراد برای تکمیل دانش فنی آنها ارتقاء یابد و آموزش چند جانبه و میان رشته‌ای باشد.

3- رویکرد آموزش مهارت‌های عمومی و پایه: برخی از صاحب‌نظران، ضمن قبول ضرورت آموزش حرفه‌ای این ایده را مطرح کردند که موفقیت شغلی علاوه بر چیرگی در مهارت‌های علمی و عملی مستلزم وجود یک سری مهارت‌ها و عادت‌های فردی نیز هست که ورای یک شغل خاص است. لذا عدم موفقیت افراد در کار را بیش از پیش به ضعف آنان در انطباق با محیط کار نسبت داده‌اند تا ندانستن مهارت‌های کارکردی.

در مقابل رویکردهای فوق، گروهی بر این باورند که بهره‌وری منتسب به شغل است و نه به شخص؛ و آموزش عالی تعیین‌کننده بهره‌وری نیست. این پدیده به نام تئوری جداسازی بازار کار⁴ شناخته شده است. در واقع تربیت دانش‌آموختگان برای مشاغلی معین از طریق آموزش‌های خاص صورت می‌گیرد (صبوری، 1381). اما گروه زیادی معتقد به لزوم هماهنگی بین آموزش با نیازهای بازار کار هستند. از سوی دیگر، گروهی بر این باورند که آموزش همواره باید منطبق با علم روز جهانی باشد و این بخش‌های اقتصادی کشور هستند که باید خود را به روز نموده و متناسب با

1. school-based model

2. work- based model

3. school/work - based model

4. Labore Market Segmentation Theory

پیشرفت‌ها و فناوری‌های نوین جهانی باشند. بر این اساس، این پژوهش در صدد پاسخگویی به سؤال‌های پژوهش زیر است.

- 1- مشکلات اشتغال فارغ‌التحصیلان آموزش عالی تا چه حد به مسأله عدم تطابق تحصیلات دانشگاهی با نیازهای بازار کار باز می‌گردد؟
- 2- عدم تطابق‌های مذکور در کدام گروه‌ها و رشته‌های تحصیلی حادث است؟
- 3- اقدامات انجام شده در سال‌های اخیر در جهت رفع این مشکل چه بوده است و تا چه حد مؤثر بوده است؟
- 4- راهکارهای مؤثر برای اثربخشی تحصیلات دانشگاهی چیست؟

روش‌شناسی تحقیق

با توجه به هدف پژوهش حاضر، این تحقیق از نوع کاربردی و به روش بررسی اسنادی انجام شده است. جامعه آماری تحقیق اسناد، منابع و تحقیقات موجود و در دسترس بوده، برای تحلیل توصیفی بهره‌گیری شده است.

یافته‌ها

1. وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان

نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال 1385 نشان می‌دهد که نرخ بیکاری تحصیلکردگان دانشگاهی 10/12 درصد بوده است که سهم عمده آن (16/72%) مربوط به زنان جویای کار است. همچنین بیشترین بیکاری در میان دارندگان مدرک فوق‌دیپلم (29/15%) و پس از آن لیسانس (11/86%) است. دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی و دامپزشکی در صدر بیکاران قرار دارند. در مقطع فوق‌دیپلم، بیشترین بیکاری مربوط به رشته‌های بهداشت و رفاه و کمترین آن مربوط به رشته‌های علوم تربیتی است. در مقطع لیسانس، نرخ بیکاری رشته‌های کشاورزی و دامپزشکی در صدر قرار دارد و مجدداً کمترین نرخ متعلق به رشته‌های علوم تربیتی است. در مقطع فوق‌لیسانس، بیشترین نرخ بیکاری مشترکاً مربوط به رشته‌های علوم، ریاضیات و محاسبات و کشاورزی و دامپزشکی و کمترین آن مربوط به رشته‌های خدمات است. وضعیت نابسامان اشتغال تحصیلکردگان رشته‌های کشاورزی و دامپزشکی در مقطع دکتری و فوق‌دکتری نیز ادامه دارد (جدول 1).

از طرف دیگر، بخش عمده شاغلان تحصیلکرده، مزد و حقوق‌بگیران بخش عمومی (65/25%) هستند و در بخش خصوصی نیز عمدتاً در مشاغل مزد و حقوق‌بگیری (56/76%) قرار دارند و اگر اشتغال در گروه کارکنان مستقل و کارفرمایان را به عنوان شاخصی از میزان کارآفرینی آنان تلقی کنیم، در مجموع 42/04% تحصیلکردگان در این وضعیت قرار می‌گیرند. سطح دانش بری بخش خصوصی (8/6% با تحصیلات عالی) بسیار پایین است و در عین حال این شاخص در مشاغل مزد و حقوق‌بگیری بخش عمومی نیز از 44/25% فراتر نمی‌رود (جدول 2).

اگر شغل‌های مناسب و مرتبط با دانش‌آموختگان را شامل سه گروه شغلی: 1- قانون‌گذاران، مقامات عالی رتبه و مدیران 2- متخصصان و 3- تکنسین‌ها، دستیاران و کارمندان امور دفتری بدانیم، از کل شاغلان تحصیلکرده، 78/82% در مشاغل مناسب قرار دارند. لیکن اگر تطابق شغلی و مهارتی را تا حدودی دقیق‌تر کنیم در مجموع 80/45% از تحصیلکردگان رشته‌های مهندسی و ساخت و 80/9% از تحصیلکردگان رشته‌های کشاورزی و دامپزشکی در مشاغل مناسب قرار دارند. از سوی دیگر، اکثر شاغلان بخش کشاورزی دارای مدرک تحصیلی ابتدایی بوده و فقط 2/2% آنها دارای تحصیلات عالی هستند و در بخش صنعت نیز سهم شاغلان با تحصیلات عالی به 10% نمی‌رسد (جدول 3). لذا چالش اصلی اشتغال دانش‌آموختگان، سطح پایین دانش‌بری مشاغل است.

2. وضعیت انطباق تحصیلات دانشگاهی با بازار کار

اگرچه از لحاظ کمی، وضعیت تطابق اشتغال دانش‌آموختگان و رشته‌های تحصیلی تاحدودی قابل قبول است، ولی بیکاری 10/2 درصدی این گروه از نیروی انسانی کشور باعث شده است که مسأله عدم تطابق آموخته‌های آنان با نیازهای بخش‌های تولیدی و خدماتی بعنوان یکی از چالش‌های اساسی اشتغال مطرح شود. از مجموع بررسی‌های متعدد، می‌توان دو زمینه ناکارآمدی تشخیص داد. اولین مورد از عدم انطباق تحصیلات دانشگاهی با بازار کار به نوع رشته‌ها و تعداد پذیرش آنها باز می‌گردد. انگیزه فعالیت در بخش کشاورزی 10 درصد و قبولی دانشگاه‌ها 77 درصد است (جلالی، 1382) و در بخش‌های غیرمتشکل نیز بیشترین میزان جذب از مجموع رشته‌های ششگانه اصلی دانشگاهی مربوط به خدمات اجتماعی (50/8%) و کمترین میزان جذب مربوط به کشاورزی (3%) و هنر (2/7%) می‌باشد. (ساکتی، 1380) مورد

دوم به محتوای دوره‌ها و اثربخشی آموخته‌ها باز می‌گردد. 99/2 درصد دانشجویان شاغل در بخش خدمات، با توجه به تجارب اشتغال فعلی خود، این اعتقاد را دارند که رشته‌های تحصیلی فعلی در دانشگاه‌ها قادر به پاسخگویی به نیازهای مهارتی مورد لزوم و نظر بازار کار نیستند (شجاعی، 1384). در این مورد نیز دو نوع ناکارآمدی را می‌توان تشخیص داد. بخش اول ناکارآمدی، کمبود مهارت‌های عمومی یا شایستگی‌های کانونی دانش‌آموختگان است که صرف نظر از رشته تحصیلی، باید به این توانمندی‌ها مجهز باشند (اجلالی، 1386: 19). بخش دوم آن قابلیت‌های پیش‌بینی شده یا مورد انتظار هر رشته تحصیلی برای انجام امور تخصصی مربوطه است. در این بخش، ابتدا تعاریف و دسته‌بندی شایستگی‌های عمومی را در متون نظری مرور کرده و سپس نتایج پیمایش‌های انجام شده بر روی دانش‌آموختگان آموزش عالی در خصوص سنجش این مهارت‌ها ارائه می‌شود:

1-2. مهارت‌ها و توانمندی‌های عمومی

در یک تعریف مهارت‌های عمومی دانشجویان را شامل: قابلیت بازیابی اطلاعات، قابلیت‌های هوشمند، قابلیت‌های شخصیتی، قابلیت‌های کمی، قابلیت‌های عملی، قابلیت‌های ارتباطی، قابلیت‌های فهم فرهنگی، قابلیت‌های استنباط اجتماعی، قابلیت‌های محلی اندیشی و قابلیت‌های زیبایی‌شناسی دانسته‌اند (فلاح آزاد و هاشمی، 1384). اما کارشناسان امر اشتغال، مهارت‌ها و ویژگی‌های چهارگانه جمعی (رهبری، کارگروهی و مهارت‌های اجتماعی)، خود اتکایی (خود آگاهی، درایت و مهارت‌های شبکه‌سازی)، عمومی (حل مسأله، تعهد و انعطاف) و تخصصی (فناوری اطلاعات، مهارت‌های فنی و درک کاری) را برای دانشجویان الزامی می‌دانند. (ترابی مهربانی، 1385).

بررسی‌های انجام شده از قوت و ضعف مهارت‌های عمومی دانش‌آموختگان نشان می‌دهد که برخی مهارت‌های عمومی تقریباً در تمامی دانش‌آموختگان و برخی که اتفاقاً برای رشته‌های مربوطه مهم‌تر هستند، ضعیف است. این بررسی برای دانشجویان علوم انسانی و فنی مهندسی سه دانشگاه حاکی از آن است که: شایستگی «جمع‌آوری، سازماندهی و تجزیه و تحلیل اطلاعات»، غیررضایت‌بخش و شایستگی «آشنایی با ابزارهای تولید و اشاعه دانش»، ضعیف بوده است. و فقط دوسوم توانمندی لازم برای «برنامه‌ریزی و سازماندهی فعالیت‌های شخصی» در افراد ایجاد شده است. شایستگی «داشتن فهم فرهنگی» برای اکثر دانشجویان در حد متوسط و خوب بوده است. در

بررسی شایستگی «قابلیت استفاده از تکنولوژی» کمترین نمره متعلق به شاخص میزان آشنایی با اینترنت و پست الکترونیک بوده و به طور کلی این شایستگی در دانشجویان ضعیف بوده است. شایستگی «بهره‌گیری از زبان خارجی» نیز در وضعیت بسیار بد بوده است. میزان توانمندی دانشجویان در شایستگی «محل‌اندیشی» بسیار اندک بوده است. وضعیت دانشجویان در مورد شایستگی «شناخت و عمل به عناصر رفتار سازمانی» نسبتاً مناسب بوده است. و شایستگی «توانایی برقراری ارتباط و مبادله اطلاعات» برای دانشجویان علوم انسانی بهتر از دانشجویان فنی مهندسی بوده است. شایستگی «داشتن انتظارات شغلی معقول» نیز یکی از ضعیف‌ترین توانمندی‌های دانشجویان است. شایستگی «انجام کار گروهی» نیز در حد متوسط و زنان بر مردان در این مورد برتری داشته‌اند. وضعیت شایستگی «داشتن تعهد و اخلاق کار» اصلاً رضایت‌بخش نبوده و «قابلیت بررسی و پذیرش عقاید مختلف» نیز در حد متوسط و زیر متوسط بوده است. دانشجویان در شایستگی «قابلیت تفکر انتقادی» نمره نسبتاً بالایی را کسب کرده‌اند. در مجموع، مهارت‌های زنان از مردان ضعیف‌تر و افرادی که در دوران تحصیل خود شاغل بوده‌اند، از توانمندی بیشتری در دو مقوله شایستگی‌های شناختی و مهارتی برخوردار بوده‌اند.

سنجش مهارت‌ها و ویژگی‌های شخصی فارغ‌التحصیلان شاغل با مدرک کارشناسی نشان داده است که در مجموع مهم‌ترین عامل در اشتغال فارغ‌التحصیلان از لحاظ مهارتی، مهارت‌های ارتباطی و در بین ویژگی‌های شخصیتی، سازگاری است (روحی، 1385).

2-2. مسائل اشتغال رشته‌های مختلف

گروه کشاورزی: روند کنونی اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی یکی از مصادیق هدر رفتن سرمایه‌گذاری در کشور است، زیرا در عین حال که سطح دانش‌بری مشاغل بخش کشاورزی بسیار پایین است، متأسفانه بیکاری تحصیلکردگان این گروه از همه بیشتر است. با مطالعات امکان‌سنجی بهره‌گیری از متخصصین کشاورزی، 2224 عنوان شغلی در جامعه روستایی و کشاورزی شناسایی گردیده و 657 عنوان شغلی جدید نیازمند دانش‌آموختگان دانشگاهی است (ترک‌نژاد، 1379).

ارزشیابی دانشجویان و استادان گروه کشاورزی و دامپزشکی نسبت به برنامه‌های درسی این گروه، از تمامی گروه‌های عمده رشته تحصیلی دیگر بهتر بوده است

(وزیری، 1378). از یک طرف، بررسی‌های انجام شده از متولیان اشتغال به این نتیجه رسیده است که عدم تناسب مواد آموزشی و بازار کار و همچنین بروز نبودن اطلاعات مدرسین دانشگاه، از جمله عوامل عدم جذب دانش‌آموختگان رشته کشاورزی است (دهقان، دربان و فکری، 1386) و در حال حاضر، کشاورزان به دلایل بی‌تجربه‌گی دانش‌آموختگان کشاورزی و مشکلات مالی، قادر به استخدام آنها نیستند، ولی با رفع موانع، از مشاوره این افراد برای افزایش تولید و کاهش هزینه استقبال خواهند کرد. همچنین از بین رشته‌های کشاورزی، کشاورزی عمومی مناسب‌ترین رشته تحصیلی مورد نیاز کشاورزان تشخیص داده شد (زمانی و محمودی، 1385). ولی از طرف دیگر، ساختارهای اشتغال این بخش حاکی از چالش‌های اساسی بر سر راه جذب نیروهای متخصص است. یکی از نشانه‌های قدرت جذب پایین این بخش سهم ناچیز آن در کل سرمایه‌گذاری (5%) است که در مقایسه با بخش‌های صنعت و خدمات بسیار کم است. مسأله دیگر، عدم بازسازی و تکمیل زیرساخت‌های مورد نیاز به ویژه سدها و سیستم‌های آبیاری است. کوچک بودن واحدهای بهره‌برداری کشاورزی در ایران و عدم پذیرش نوآوری و مسائل حقوقی نیز موانع دیگر کاربرد فناوری و جذب متخصصان است (اشرفی و همکاران، 1386).

بررسی پیمایشی از وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان رشته کشاورزی نشان داده است که دانش‌آموختگان رشته زراعت در صدر بیکاران (تقریباً نیمی از تعداد بیکاران نمونه مورد بررسی) قرار دارند در حالی که حتی یک دانش‌آموختگان رشته صنایع غذایی در این نمونه وجود نداشت (زمانی، 1380). طبق نتایج این پیمایش، دانش‌آموختگان با معدل بالا و دانش‌آموختگان دانشگاه‌های دولتی مدت بیکاری کمتری را گذرانده‌اند. عدم وجود مجوز استخدام و عدم نیاز به کارشناس، مهم‌ترین دلایل عدم استخدام دانش‌آموختگان در ادارات و سازمان‌های مربوطه بوده و عدم تطبیق رشته با زمینه کاری (با 5.5% فراوانی) در رتبه سوم قرار داشته است. در بین علل عدم استخدام در سازمان‌های خصوصی نیز عدم نیاز شرکت به کارشناس بیشترین فراوانی را داشته است و عدم تطبیق رشته و نداشتن تجربه کافی در رتبه پنجم و ششم و قرار داشته‌اند. بررسی فعالیت‌های خوداشتغالی دانش‌آموختگان نشان می‌دهد که 70% از پاسخ‌دهندگان در این زمینه ناموفق بوده‌اند. 21/7% اظهار نموده‌اند که فعالیت آنها در جریان انجام و پی‌گیری است و تنها 8/3% اعلام نموده‌اند که مشغول به کار هستند. عدم همکاری ادارات دولتی و بانک‌ها و نداشتن سرمایه و

تجربه، در صدر عوامل عدم موفقیت در خود اشتغالی قرار دارند. 20% مسئولان بر ضعف علمی و مهارتی فارغ التحصیلان، عدم انطباق سرفصل دروس با نیازهای منطقه و ضعف علمی و تجربی اساتید به خصوص در مورد کارهای میدانی و ارتباط با منطقه تأکید داشته‌اند. بررسی اشتغال ایجاد شده در تعاونی‌های کشاورزی شهرستان کرج، حاکی از تأثیر آموزش‌های داخل مزرعه در ارتقاء کارایی کارکنان و اعضا، نگرش مثبت کارکنان به کیفیت آموزش‌های رسمی و نگرش نسبتاً منفی در مورد به روز بودن آموزش‌ها و رضایت از آموزش‌های کسب شده بوده است. این نتایج نشانگر اهمیت تعاونی‌ها در کاهش مدت زمان بیکاری فارغ التحصیلان می‌باشد که به طور میانگین 6 ماه بوده است (سلیمی و همکاران، 1384).

معدود پژوهش‌های انجام گرفته در مورد رشته‌های منابع طبیعی نیز حاکی از آن است که کاستی‌های مشابهی در این رشته‌ها وجود دارد. رضایت نسبتاً کم مدیران اجرایی از دانش و مهارت دانش‌آموختگان، رابطه ضعیف بین آموزش و اشتغال در کنار سایر عوامل، از مشکلات اشتغال دانش‌آموختگان رشته جنگل بوده است (رحیم میرزایی و همکاران، 1385).

طبق پیمایش انجام شده، رشته‌های مورد نیاز کشاورزان به ترتیب اولویت عبارت از: 1- کشاورزی عمومی 2- علوم دامی 3- زراعت 4- باغبانی بوده است. نوع خدمات مورد نیاز کشاورزان توسط مهندسان نیز، شامل خدمات فنی، مشاوره‌ای، مدیریتی و تجاری بوده است. این نوع اعلام نیاز، در واقع زمینه‌های نیاز به تنوع و میان رشته‌ای کردن دوره‌های تحصیلی این گروه را نشان می‌دهد (زمانی، 1380).

گروه علوم پایه: یکی دیگر از نقاط ثقل بیکاری دانش‌آموختگان، رشته‌های علوم پایه است. مسائل اشتغال رشته‌های ریاضی و فیزیک محض نسبت به سایر رشته‌ها حادث‌تر است. از دید دانشجویان، کمبود امکانات آزمایشگاهی و فقدان آزمایشگاه‌های تخصصی، برگزار نشدن کلاس‌های آزمایشگاهی، تسلط نداشتن استادان در تدریس دروس عمومی رشته‌های علوم پایه، تقلیل واحدهای درسی در برخی دانشگاه‌های غیردولتی و یکنواختی شیوه‌های تدریس، از اهم مشکلات و ضعف برنامه‌های دانشگاهی است. به ویژه دانشجویان انتظار دارند که هر درس متناسب با نوع مباحث و کاربردش در محل مناسب خود و با استفاده از ابزار مناسب ارائه شود (انارکی، 1387). بخش دوم مشکلات به فقدان زمینه‌های شغلی برای برخی از رشته‌های علوم پایه باز می‌گردد. به طوری که اکثر دانشجویانی که در مقطع کارشناسی در این رشته‌ها تحصیل کرده‌اند، یا در مقطع بالاتر تغییر رشته داده‌اند و یا اگر وارد بازار کار شده‌اند،

در شغلی بی‌ارتباط با رشته تحصیلی خود مشغول‌اند. فارغ‌التحصیلان رشته‌های ریاضی در این موارد بلا دیده‌تر هستند. اگر چه به اعتراف خودشان، تسلط بر مفاهیم و دانسته‌های ریاضی، قدرت تحلیل و درک آنان را افزایش داده است، ولی موقعیت شغلی منطبق با رشته تحصیلی خود را نمی‌توانند بیابند. یکی از نقطه ضعف‌های برشمرده برای این رشته‌ها، برنامه‌ریزی درسی خشک و غیرمتنوع و ترکیب نامناسب واحدهای درسی و البته عدم بکارگیری شیوه‌های نوین تدریس است. توسعه گرایش‌های جدید در رشته زمین‌شناسی نیز نتوانسته است نقش و تأثیر واقعی خود را برای ایجاد زمینه‌های اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و کارآفرینی، به ویژه در بخش خصوصی نشان دهد (فرنود احمدی و عبادی، 1387).

ضعف و ناکارآمدی فرایندهای «زنجیره تأمین نیروی انسانی» در استفاده درست از فارغ‌التحصیلان این رشته‌ها به عنوان ذخایر سرمایه انسانی تولید کننده علم - دانشمندان جوامع - نیز خود جای بحث مفصل دارد.

گروه علوم انسانی: در مجموع وضعیت اشتغال رشته‌های علوم انسانی (از لحاظ کمی) مناسب‌تر از رشته‌های علوم پایه و کشاورزی است. استادان این گروه و گروه هنر، برنامه‌های درسی این رشته‌ها را ضعیف ارزیابی کرده‌اند ولی دانشجویان گروه هنر به نسبت استادان برنامه‌های گروه خود را بهتر ارزیابی کرده‌اند (وزیری، 1378). از دید دانشجویان و فارغ‌التحصیلان رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی، اگرچه وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان این رشته به ویژه زنان نسبتاً مناسب است، ولی تجدیدنظر در برنامه‌های گرایشی علوم کتابداری ضروری است. برنامه‌های آموزشی کتابداری از لحاظ هماهنگی با برنامه مصوب، در شرایط مطلوب قرار دارد، ولی متفاوت بودن مناطق جغرافیایی نباید در یکنواختی دروس تأثیر داشته باشد. آموزش در مقطع کاردانی بایستی مورد تأکید قرار گیرد و دروس زیادتری در زمینه کامپیوتر و تکنولوژی اطلاعات ارائه شود (احمدی لاری و فرزین، 1375). در رشته زبان و ادبیات فارسی نیز آنچه در دانشکده‌ها تدریس می‌شود تناسبی با نیازهای جامعه و واقعیت‌های اجتماعی ندارد. اکثر درس‌ها نظری و انتزاعی‌اند و درس‌هایی مثل نقد ادبی، اصول ویراستاری، فیلم‌نامه‌نویسی، نمایشنامه‌نویسی، روزنامه‌نگاری، ترجمه، ادبیات تطبیقی و نظایر آن که باعث افزایش کارایی دانش‌آموختگان در جامعه می‌شود، بسیار ضعیف‌اند و یا وجود ندارند (محمد نژاد، 1378).

گروه فنی مهندسی: بیشترین نرخ بیکاری این گروه در مقطع کاردانی است. اگرچه وضعیت اشتغال مقاطع دیگر بهتر است و از مشکلات این گروه کمتر صحبت

شده است، لیکن چنانچه قبلاً نیز اشاره شد، یک مشکل مفهومی در رابطه با دانش‌آموختگان این گروه وجود دارد و آن عبارتست از اینکه کارایی این دانش‌آموختگان را در حد اپراتوری صنایع وارداتی ارزیابی می‌کنند و متأسفانه به دلیل ورود فناوری‌ها و وابستگی آنها، از ظرفیت‌های موجود این بخش از سرمایه‌های انسانی کشور استفاده مفید نمی‌شود. یکی از این صنایع، صنعت نساجی کشور است که این مسأله ناشی از ضعف قوانین و مقررات، عدم توان رقابت با محصولات خارجی، کمبود نقدینگی، فرسودگی ماشین‌آلات، قاچاق کالا و برخی مسائل مدیریتی است (مرکز کارآفرینی دانشگاه شریف، 1388). صنایع دیگر نیز کمابیش با مشکلات مشابه درگیر هستند. لذا اگرچه نمی‌توان گفت برنامه‌های آموزش دانشگاهی این گروه بدون مشکل هستند ولی مسأله اصلی در مورد دانش‌آموختگان این رشته، فقدان ظرفیت‌های تولیدی مؤثر و قدرت جذب پایین صنایع موجود است. در سال 1380، فقط 8/6 درصد شاغلان صنایع کوچک (49 - 10 نفر کارکن) را دانش‌آموختگان تشکیل داده‌اند و در بین شاغلان غیر دانش‌آموخته، 2/67 درصد زیردیپلم، 9/15 درصد دیپلم و 10 درصد بی‌سواد بوده‌اند. بنابر مطالعات انجام شده در ایران، علل به کار نگرفتن دانش‌آموختگان در صنایع کوچک عبارتند از: 1 - پایین بودن سطح مهارت 2 - تجربه کم 3 - دستمزدهای انتظاری بالا 4 - انطباق نداشتن تحصیلات دانشگاهی با نیازهای عملی واحدهای تولیدی (مولایی، 1383).

اقدامات و برنامه‌های انجام شده

1. آموزش‌های علمی - کاربردی و وابسته به دستگاه‌های اجرایی

تشکیل شورای عالی آموزش‌های علمی - کاربردی در سال 1369 و به دنبال آن تشکیل دانشگاه جامع تکنولوژی در سال 1373، از جمله اقدامات مهم برای تقویت اثربخشی آموزش‌های دانشگاهی و انطباق آن با نیازهای بازار کار بوده است. دانشگاه جامع علمی - کاربردی تاکنون با سه هدف فعالیت: 1- ارتقای مهارت شاغلان به منظور افزایش بهره‌وری دستگاه‌های اجرایی کشور 2- تربیت نیروهای استخدام شونده و 3- تربیت نیروهای استخدام کننده (از سال 1384 تاکنون) نموده است. سوابق اولیه فعالیت این دانشگاه متأسفانه بیانگر نقش تکمیل ظرفیت‌های باقیمانده برای متقاضیان آموزش عالی بود (رضایی و پاشا، 1387). یکی دیگر از مشکلات مهم آموزش‌های علمی - کاربردی از نظر مسئولان مربوط، خلاءهای قانونی و عدم هماهنگی بین آیین‌نامه‌های ارسالی از سوی دانشگاه جامع علمی - کاربردی با برخی

قوانین و مقررات جاری کشور بوده است (بینقی، 1380). طبق آخرین ارزیابی از دوره‌های علمی - کاربردی، وزارت‌خانه‌های جهاد سازندگی و کشاورزی نسبتاً هر سه هدف آموزش‌های علمی - کاربردی بخصوص توجه به هدف ایجاد مشاغل جدید و خود اشتغالی را مورد توجه قرار داده‌اند و وزارت‌خانه‌های صنایع و نیرو هدف تربیت نیروی انسانی برای اشتغال در بخش‌های دولتی و مؤسسات بزرگ صنعتی و نیز تا حدی بهسازی منابع انسانی موجود در بخش دولتی و نیمه دولتی را تعقیب کرده‌اند. در برنامه‌های درسی بخش صنعت، صبغه نظری بر صبغه کاربردی مستولی شده است. در بخش کشاورزی، اگر چه کوشش شده است که در طراحی برنامه‌های درسی از الگوی برنامه‌ریزی درسی مهارت - محور پیروی شود، ولی به دلیل استفاده ناقص از این الگو کاستی‌هایی به ویژه داخل شدن بسیاری دروس و محتوای غیرکاربردی در برنامه درسی دوره، به وجود آمده است (همان). میانگین اثربخشی دوره‌های علمی - کاربردی از نظر فارغ‌التحصیلان 29/34، از نظر استادان 29/01 و از نظر کارفرمایان 31/83 بوده است (مقنی زاده، 1380).

از طرف دیگر برای توسعه فعالیت‌های اشتغال‌زایی و کارآفرینی 530 انجمن علمی در مراکز علمی کاربردی کشور تشکیل شده است. لیکن میزان حمایت (5 میلیون ریال) و فرایند آن (ارسال به وزارت علوم) نشان می‌دهد که نقش چندانی در توسعه اشتغال فارغ‌التحصیلان نمی‌تواند داشته باشد. البته این دانشگاه نیز بازنگری برنامه‌های درسی خود را در دستور کار قرار داده است. بررسی عملکرد مؤسسه‌های علمی - کاربردی از لحاظ ورودی، فرایند و خروجی نشان داده است که این مؤسسات ضعف‌هایی از لحاظ مدیریتی دارند. لذا سیستم پذیرش دانشجویان با اهداف منظور شده برای آنان انطباق ندارد. از نظر امکانات آموزشی به ویژه تکنولوژی لازم برای ارائه مهارت به دانشجویان و نیز میزان استفاده دانشجویان از رایانه و اینترنت در مضیقه هستند و تعریف دقیقی از ادامه تحصیل در این مراکز وجود ندارد (رضایی و پاشا، 1387). تحلیل روابط بین عوامل آموزشی و توانمندی شغلی دانش‌آموختگان دوره‌های علمی کاربردی نیز نشان داده است که هم در مورد دانشجویان سهمیه آزاد و هم سهمیه شاغل، بین توانایی علمی و تخصصی استادان و محتوای آموزشی (در همه سطوح دانش، نگرش و مهارت) با موفقیت شغلی فارغ‌التحصیلان رابطه معنی‌دار وجود دارد (محمد زاده نصرآبادی و همکاران، 1385).

2. توسعه مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری

هدف از تأسیس مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری، گسترش ارتباط صنعت و دانشگاه و تقویت ارتباط و هماهنگی میان فعالیت‌های دانشگاهی و نیازهای روز صنایع و بخش‌های اقتصادی بوده است. این مراکز (مقرر است که) به فارغ‌التحصیلان کمک کنند که بتوانند ایده‌های خود را به کسب و کار تبدیل کرده و پس از طی یک دورهٔ جینی مستقل شده و به فعالیت ادامه دهند. اولین نکته در مورد عملکرد این مراکز این است که عموماً دولتی و وابسته به بودجهٔ دولت هستند. لذا کمبود بودجه از اولین مشکلات عمومی آنها است. اگرچه مسئولان ستادی در معاونت فناوری وزارت علوم عملکرد این مراکز را مثبت ارزیابی می‌کنند، ولی به عقیدهٔ برخی از متخصصین این مراکز در جذب افراد جوان ریسک‌پذیر که پایه و عامل کارآفرینی و تجاری‌سازی ایده‌های نو هستند، موفق نبوده‌اند. همچنین برای به بلوغ رساندن ایده‌های نو و ناپخته در کشورهای دیگر، مراکز پیش رشد¹ ایجاد شده که در این مورد نیز هنوز گام مؤثر برداشته نشده است. عدم ارتباط و هماهنگی سیاست‌های صنعتی با پارک‌های علم و فناوری و مراکز رشد نیز از دیگر کاستی‌ها است. اگرچه مراکز رشد باید در کنار دانشگاه‌ها شکل بگیرد ولی این نهاد به تنهایی نباید متولی آن باشد (ناصری، 1385).

3. تأسیس مراکز کارآفرینی

اصطلاح کارآفرینی به معنای قبول مسئولیت، تعقیب فرصت‌ها، تأمین نیازها و خواسته‌ها از طریق نوآوری و راه‌اندازی یک کسب و کار جدید و تبدیل ایدهٔ نو به محصول یا خدمات است. از سال 1380، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری اقدام به اجرای طرح کاراد (طرح توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌ها) و راه‌اندازی مراکز کارآفرینی به عنوان واحدهای عملیاتی این طرح در دانشگاه‌های تابعه نمود. نتایج حاصل از مطالعهٔ مراکز کارآفرینی دانشگاه‌های وابسته به وزارت علوم نشان داده است که اغلب آنها دارای واحدهای آموزش، پژوهش و ترویج هستند و در برخی از آنها واحدهای آموزش و پژوهش ادغام شده و واحد پیش رشد نیز وجود دارد. ارزیابی عملکرد این مراکز اغلب معطوف به ساختارها و فرایندها بوده و نتایج و پیامدهای آنها ارزیابی نمی‌شود. ارتباط سازمانی این مراکز بیشتر با وزارت کار، سازمان آموزش فنی

حرفه‌ای، آموزش و پرورش، شهرداری، سازمان همیاری اشتغال دانش‌آموختگان، شهرک‌های علمی تحقیقاتی، مراکز رشد، برخی واحدهای صنعتی و شرکت‌های کارآفرین است. برنامه‌های آموزشی مراکز مورد بررسی، اغلب به شکل برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌هایی در زمینه آمادگی نسبی افراد برای راه‌اندازی کسب و کار است که چون شرکت در آنها داوطلبانه است، پوشش و تأثیر چشمگیری ندارد (براتی و همکاران، 1385).

بر اساس مدل آموزش کارآفرینی لادزانی و وان وورن¹، یک برنامه آموزشی کارآفرینی خوب باید حداقل شامل سه متغیر «انگیزه»، «مهارت‌های کارآفرینی» و «مهارت‌های کسب و کار» باشد. اکثریت دوره‌های آموزش کارآفرینی، تا حدی به متغیر دوم، یعنی آموزش مهارت‌های کارآفرینی می‌پردازند و به بعد اول و سوم که مهم‌تر نیز هستند کمتر توجه می‌کنند. به فعلیت رساندن ایده و حرکت به طرف فعال شدن، یک ویژگی فردی است تا عمومی، لذا نباید تصور کرد که تمامی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی الزاماً کارآفرین شوند. نقش اصلی مراکز کارآفرینی این است که فرصت لازم را برای افراد مستعد فراهم کند. در حالیکه متأسفانه حتی جایگاه جوانان مستعد انتخاب شده در المپیادهای علمی نیز در فعالیت‌های علم و فناوری کشور مشخص و بسامان نیست. این در حالی است که خود این افراد نگرانی‌هایی در مورد توقف رشد علمی خود، عدم استفاده از معلومات کسب شده و به هدر رفتن تخصص آنها و منزلت اجتماعی خود هستند و می‌خواهند که بسیار تأثیرگذار باشند (میرزایی، 1382).

4. تفویض اختیار برنامه‌ریزی درسی به دانشگاه‌ها

اولین تحول در نظام برنامه‌ریزی آموزش عالی و استقلال دانشگاه‌ها، واگذاری پاره‌ای از اختیارات شورای عالی برنامه‌ریزی به دانشگاه‌ها، طی مصوبه جلسه 196 مورخ 1369/2/30 است. طبق این مصوبه شورای دانشگاه‌ها یا شوراهای تحصیلات تکمیلی گروه‌های آموزشی و دانشکده‌های دانشگاه‌هایی که دارای هیأت ممیزه یا در رشته‌ای مجری دوره دکتری هستند، و یا دست کم در سه دوره کارشناسی ارشد فارغ‌التحصیل داشته‌اند، مجاز شدند که در مقطع کارشناسی 20 تا 24 واحد، در مقطع کارشناسی ارشد 18 تا 26 واحد درسی و در مقطع دکتری همه واحدهای درسی از دوره‌های

مصوب شورا را رأساً برنامه‌ریزی کنند و قبل از اجرا به تصویب شورای عالی برنامه‌ریزی برسانند. در گام بعدی، در سال 1379، بازنگری برنامه‌های درسی توسط دانشگاه‌های فاقد هیأت ممیزه را منتفی ندانسته ولی، تصویب تعداد و نوع دروس عمومی، ایجاد رشته‌های جدید، برنامه‌ریزی درسی رشته‌های تربیت معلم و علمی کاربردی بر عهده شورای عالی برنامه‌ریزی باقی ماند.

بررسی منابع و آیین‌نامه‌های موجود در سایت‌های دانشگاهی، حاکی از آن است که تعداد معدودی از دانشگاه‌ها - حتی در سطح تهران - به طور منسجم به تشکیل کمیته برنامه‌ریزی آموزشی و درسی و تدوین آیین‌نامه‌های مربوطه اقدام کرده‌اند. تنگنای موجود این است که فرایندهای پیش‌بینی شده هنوز طولانی و وقت‌گیر و با تصمیم‌گیری متمرکز در دانشگاه است. مسأله دیگر اینکه، فرایندهای بازبینی و بازسازی رشته‌ها عمدتاً به عناصر داخل نظام دانشگاهی - در صف و ستاد - متکی است، در حالیکه برای بازسازی آنها لازم است که کنش متقابل بین نظام دانشگاهی با بخش‌های اقتصادی اجتماعی برقرار شود.

5. ایجاد رشته‌های میان رشته‌ای

ایجاد رشته‌های میان رشته‌ای، از جمله اقدامات پیشنهادی برای افزایش کارایی تحصیلات دانشگاهی در جهت رفع نیازهای بازار کار و اثربخشی آن است. میان رشته‌ای‌ها که با رویکرد حل مسأله طراحی می‌شوند، گونه‌ای جدید از رشته‌ها هستند که از ترکیب رشته‌های موجود برای پاسخگویی به نیازهای کشور تدوین شده‌اند. گسترش این نوع رشته‌ها به دنبال تحولات نظام پرداخت‌های اجتماعی نیز بوده است. طی سال‌های 88-1384، 555 برنامه جدید میان رشته‌ای در وزارت علوم تصویب شده است. یکی از مشکلات توسعه این رشته‌ها، تصویب آن در کمیته‌های مادر و کمبود کمیته‌های تخصصی و گروه‌های برنامه‌ریزی است، چرا که یک رشته گاهی به 3 کمیته مختلف مربوط است، مثل اقتصاد انرژی یا حقوق گمرکی. مشکل دیگر افراط و تفریط است، یعنی موضوعی که در حد 2 تا 3 درس قابل اجرا است به یک دوره تبدیل شده است. مشکل دیگر، کمبود مدرس و منابع درسی است. ضمن اینکه اجرای آن در دانشگاه‌ها با مشکلات صنفی - عدم همکاری دیپارتمان‌ها - نیز مواجه بوده است (برزویی، 1388).

6. طرح کارورزی دانش‌آموختگان

کارورزی¹ بهترین گزینه برای کسب تجربه توسط دانشجویان فارغ‌التحصیل است که میزان مهارت‌های شغلی و ارتباط آموخته‌های خود با مشاغل احتمالی را محک زده و تقویت می‌کند. طرح کارورزی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در تاریخ 83/11/28 به تصویب شورای عالی اشتغال رسید. اگرچه عملکرد این طرح در خصوص جذب فارغ‌التحصیلان به این دوره‌ها و کم هزینه بودن آن مثبت ارزیابی شده است، لیکن در مورد موفقیت این طرح در اشتغال دائم کارورزان، اطلاعات جدیدی در دست نیست. در سال 1382، 38% کارورزان در همان واحد و 27% در واحدهای دیگر به طور دائم جذب شده‌اند، ولی 23% هنوز در جستجوی کار بوده‌اند. همچنین خود اشتغالان و مواردی که اشتغال غیرمرتبط با رشته تحصیلی داشته‌اند به ترتیب از 1% و 5% بیشتر نبوده‌اند. (ذوالفقاری، 1384). در مرحله دوم طرح کارورزی، فارغ‌التحصیلان کشاورزی در اردیبهشت 1387، از سهمیه 10 هزار نفری، تعداد 8086 نفر تا پایان آبان همان سال به این طرح جذب شدند، که 79% واحدهای پذیرنده، غیردولتی و از نوع شرکت‌های فنی مهندسی خدماتی، مشاوره‌ای، تعاونی‌ها و واحدهای دامی بوده‌اند. از بین جذب شدگان، 13/3% در مقطع کاردانی، 81/5% در مقطع کارشناسی و 5/2% در مقطع کارشناسی ارشد بوده‌اند.

بنابر نظر مدیران منابع انسانی، اولین کاستی قابل مشاهده در اجرای این طرح، نابسامانی و عدم پیروی از یک الگوی مشخص در معرفی دانشجویان از سوی دانشگاه‌ها به مؤسسات مجری طرح بوده است، به طوری که برخی از رشته‌های نامرتبط به یک واحد صنعتی معرفی می‌شده‌اند. مشکل دوم، جدی نگرفتن کار از سوی کارورزان و مشکل سوم، نقش غیر مؤثر دفاتر ارتباط دانشگاه با صنعت در پی‌گیری و ارزیابی طرح است. معمولاً دانشجویان برای یافتن محل کارورزی با مشکل روبرو هستند (ترابی مهربانی، 1385). از منظری دیگر، ضعف برنامه‌های آموزشی در رابطه با نیاز دستگاه‌های اجرایی کشور واقعیتی است که به اعتقاد برخی صاحب‌نظران به ضعف دستگاه اجرایی در انتقال نیاز خود به دانشگاه باز می‌گردد. زیرا دانشگاه‌ها 70% برنامه‌های درسی خود را بر اساس نیازهای شغلی آن رشته تدوین می‌کنند (رحیمی، 1387). از طرف دیگر، یک اصل پذیرفته شده آموزشی وجود دارد

که می‌گوید، نیروی انسانی آموزش دیده زمانی بیشترین کارایی را دارد که آموزش در مکانی صورت گیرد که بیشترین شباهت را به مکانی که دانش‌آموختگان موظفانند دانش و مهارت خود را در آنجا بکار گیرند، داشته باشد (خواجه دلویی، 1382). نکته قابل ذکر دیگر در این مورد این است که اکثر دانشجویان طی سال‌های ابتدایی و حتی پایانی تحصیل به اشتغال و ضرورت پرداختن به فعالیت‌های دانشجویی که موجب تقویت مهارت‌های شغلی آنان می‌شود، توجه ندارند و در آستانه ورود به بازار کار متوجه ضعف توانمندی مورد نیاز برای اشتغال می‌شوند؛ و آن تعداد هم که به فکر آینده شغلی خود هستند، خدمات و برنامه‌های سازمان یافته و پیوسته دریافت نمی‌کنند. برنامه از آموزش تا اشتغال سازمان همیاری اشتغال فارغ‌التحصیلان با هدف پر کردن این شکاف به اجرا گذاشته شده است که هنوز عملکرد دقیقی از آن موجود نیست.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

کنکاش در مسائل اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی نشان می‌دهد که اگرچه برنامه‌های آموزشی از لحاظ محتوا و اثربخشی به ویژه از نظر انتقال مهارت‌های عمومی و شایستگی‌های کانونی به فارغ‌التحصیلان با کاستی مواجه است، لیکن کانون‌های اصلی بحران اشتغال در بخش‌هایی است که علی‌رغم نیاز شدید به نیروی متخصص، به دلیل ساختارهای غیرمنعطف شغلی و عدم توان رقابت اقتصادی با دنیای خارج، در جذب سرمایه‌های انسانی موجود ناتوان است. با عنایت به این واقعیت و تأکید بر لزوم بررسی دقیق‌تر این مسأله و اتخاذ راهکارهای مناسب برای آن، از جمله و مهم‌ترین آن تصحیح دیدگاه‌ها و کنارگذاشتن راه‌حل‌های کلاسیک در برطرف کردن مشکل اشتغال فارغ‌التحصیلان از طریق شناخت مستقیم و عالمانه واقعیت‌ها و توجه به رویکردهای نهادی، پیشنهادهای ذیل را برای انطباق بیشتر برنامه‌های دانشگاهی با زمینه‌های شغلی موجود می‌توان برشمرد:

1- پیش‌بینی دروس و دوره‌های مورد نیاز برای تقویت مهارت‌های عمومی فارغ‌التحصیلان، به ویژه شایستگی جمع‌آوری و سازماندهی و تحلیل اطلاعات و برقراری ارتباط و کار گروهی، مهارت نوشتن (گزارش، پایان‌نامه، رزومه و...)، آمادگی برای مصاحبه، نظم شغلی؛

- 2- انعطاف در مجوزهای اعطایی و امکان تغییر آن با تغییر در کیفیت ارائه دروس و پایش نیازهای شغلی جدید؛
- 3- اصلاح نظام ارزشیابی تحصیلی از صرفاً نظری به نظری - عملی در طول تحصیل، به ویژه برای مهارت‌های عمومی؛
- 4- تجدیدنظر اساسی در برنامه‌ها، تقویت کادر آموزشی و تجهیز آزمایشگاه و کارگاه‌های رشته‌های علوم پایه؛
- 5- طراحی فرایند مستمر نیازسنجی آموزشی از کارفرمایان (دلفی) و ایجاد نظام مطالعات مستمر پیگیرانه¹ و پایش بازار کار برای کنترل و بهبود روش‌ها و حفظ پویایی؛
- 6- اصلاح ساختارهای شغلی غیرمنعطف و ایجاد نظام یکپارچه انتقال نیازهای تخصصی دستگاه‌ها به مراکز آموزشی؛
- 7- افزایش واحدهای عملی، بازدیدهای میدانی، آشنایی با بازار کار و نیازهای منطقه‌ای و ارتباط با بخش‌های اجرایی در برنامه‌های آموزشی رشته‌های گروه کشاورزی؛
- 8- اصلاح قانون نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی به صورت هماهنگ‌سازی آموزش‌های کشاورزی و منابع طبیعی با نیازهای بخش و به روز کردن دانش مهندسان برای اجرای جامع و کامل آن؛
- 9- رفع کاستی‌های نظام پاداش اقتصادی و اجتماعی در جهت ایجاد مطلوبیت برای تحصیل در دوره‌های کاردانی، علمی کاربردی و آموزش‌های پودمانی؛
- 10- رفع نواقص قانونی و محتوایی برنامه‌های آموزشی علمی کاربردی و کاردانی و تقویت بعد عملی آنها و ممانعت از غلبه جنبه نظری بر عملی به منظور حفظ رسالت اصلی این دوره‌ها؛
- 11- اعطای مشوق‌های مالی و قانونی برای توسعه مراکز رشد غیردولتی و جذب افراد ریسک‌پذیر؛
- 12- ایجاد هماهنگی بین سیاست‌های تجاری - صنعتی با گسترش مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری و تقویت مراکز پیش رشد با همکاری بخش خصوصی؛

- 13- تصحیح عملکرد مراکز کارآفرینی در جهت تقویت مهارت راه‌اندازی کسب و کار در فارغ‌التحصیلان و به فعلیت رساندن استعدادهای ایده‌پرداز؛
- 14- رفع نیازهای تخصصی - مالی و اعطای اختیارات لازم به دانشگاه‌ها برای حداکثر استفاده از فرصت بازبینی رشته‌ها و دوره‌های آموزشی در راستای نیازهای بومی، منطقه‌ای و ملی؛
- 15- رفع نواقص اجرایی طرح کارورزی و تقویت آن (از سال‌های اولیه تحصیل) و فعال کردن دفاتر ارتباط صنعت و دانشگاه در استعلام نیازهای دستگاه‌ها و معرفی دانش‌آموختگان.

جدول (1) توزیع نرخ بیکاری جمعیت 10 ساله و بیشتر با تحصیلات عالی برحسب گروه‌های عمده رشته تحصیلی و دوره تحصیلی (درصد) - سرشماری 1385

مقطع / گروه عمده رشته تحصیلی	جمع	فوق دیپلم	لیسانس	فوق لیسانس	دکتری و فوق دکتری	اظهار نشده
جمع کل	10/12	29/15	11/86	3/05	0/30	0/06
مرد	6/85	21/68	8/41	2/40	0/30	0/05
زن	16/72	47/90	16/13	4/79	0/30	0/09
علوم تربیتی	4/29	12/66	3/35	1/81	0/0	0/0
علوم انسانی و هنر	10/64	27/74	11/52	4/32	0/21	0/33
علوم اجتماعی، بازرگانی و حقوق	10/47	19/28	17/09	2/17	0/16	0/0
علوم، ریاضیات و محاسبات	12/27	19/24	16/25	7/19	0/16	0/03
مهندسی، تولید و ساخت	11/41	39/85	12/79	2/14	0/13	0/03
کشاورزی و دامپزشکی	15/74	32/12	26/17	7/18	0/69	0/0
بهداشت و رفاه (بهبود)	7/69	57/75	5/27	3/65	4/21	0/0
خدمات	8/47	49/26	12/29	0/16	0/0	0/0
نامشخص و اظهار نشده	6/86	29/63	5/46	5/35	0/15	0/23

منبع: محاسبه از نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال 1385

جدول (2) توزیع شاغلان 10 ساله و بیشتر بر حسب جنس و وضع شغلی در سطوح سواد (درصد) - سرشماری 1385

وضعیت شغل	بخش خصوصی						وضع شغلی
	مزد و حقوق بگیر عمومی	کارکنان کارکنان فامیلی بدون مزد	مزد و حقوق بگیران	کارکنان مستقل	کارفرمایان	جمع	
وضع سواد	مزد و حقوق بگیر عمومی	کارکنان کارکنان فامیلی بدون مزد	مزد و حقوق بگیران	کارکنان مستقل	کارفرمایان	جمع	وضع شغلی
جمع کل	24754	4753	36741	48790	10716	73757	جمع کل
جمع کل باسواد	27720	4734	38747	46739	10780	70792	جمع کل باسواد
عالی	65725	1720	56776	24736	17768	33709	عالی
جمع کل	100	100	100	100	100	100	جمع کل
جمع کل باسواد	97732	80793	89746	80732	9070	84766	جمع کل باسواد
عالی	44725	2739	12769	4752	14709	8760	عالی

منبع: محاسبه از نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال 1385

جدول (3) توزیع شاغلان 10 ساله و بیشتر دارای تحصیلات عالی بر حسب جنس، گروه‌های عمده رشته تحصیلی و شغلی (درصد) - سرشماری 1385

مقطع	گروه عمده رشته تحصیلی	فوتو نگاران، مقامات عالی رتبه و مدیران	متخصصان	تکنسرها و دستیاران	کارمندان امور اداری و دفتری	کارکنان خدماتی و فروشندگان	کارکنان ماهر کشاورزی، جنگلکاری و ملبغیگری	صنعتگران و کارکنان مشاغل مربوط	مصنعبان مونتاژکاران ماشین آلات و دستگاهها وولتدگان وسایل قله	کارگران ساده	اظهار نشده	سایر
جمع کل تحصیلات عالی	10/43	48/97	11/20	8/35	6/50	1/04	3/52	2/28	0/78	6/92	جمع کل تحصیلات عالی	
علوم تربیتی	12/27	77/08	17/88	3/66	17/71	0/39	0/56	0/61	0/22	1/61	علوم تربیتی	
علوم انسانی و هنر	8/70	63/81	5/02	7/53	5/21	0/94	2/31	1/45	0/71	4/33	علوم انسانی و هنر	
علوم اجتماعی، بازرگانی و حقوق	13/49	39/71	11/74	13/12	7/89	1/02	2/38	2/02	0/89	7/75	علوم اجتماعی، بازرگانی و حقوق	
علوم، ریاضیات و محاسبات	7/68	59/32	8/09	7/50	5/87	0/95	2/51	1/92	0/68	5/47	علوم، ریاضیات و محاسبات	
مهندسی، تولید و ساخت	12/02	31/06	15/63	8/79	7/74	0/81	8/58	4/37	1/01	9/98	مهندسی، تولید و ساخت	
کشاورزی و دامپزشکی	11/92	33/88	12/48	9/29	11/15	6/41	3/55	3/37	1/69	6/26	کشاورزی و دامپزشکی	
بهداشت و رفاه	2/72	66/82	20/39	2/84	2/80	0/20	0/60	0/38	0/13	3/13	بهداشت و رفاه	
خدمات	5/31	29/02	20/61	4/30	14/59	0/62	1/32	1/77	0/73	21/72	خدمات	
نامشخص و اظهار نشده	9/0	54/15	7/52	6/14	5/88	1/51	3/20	3/33	1/19	8/08	نامشخص و اظهار نشده	

یادداشت‌ها

- 1- به عنوان مثال، برای رشته‌های مهندسی و ساخت، گروه‌های شغلی مندرج در ستون‌های 7 و 8 جدول شماره 4 و برای رشته‌های کشاورزی و دامپزشکی، ستون 6 جدول مذکور را نیز در نظر بگیریم.
- 2- لازم به ذکر است که با توجه به زمان انجام این پژوهش (1380)، و روند استفاده از وسایل ارتباطی الکترونیک و رایانه، وضعیت این شایستگی به احتمال قوی بهبود اساسی یافته است.
- 3- البته به اذعان پژوهشگر، تعداد کم پاسخگویان از محدودیت‌های اساسی تحقیق بوده است.
- 4- کشاورزی عمومی را شامل رشته‌های گیاه‌پزشکی، خاکشناسی، زراعت و ترویج و آموزش کشاورزی دانستند که مورد نیازشان می‌باشد.
- 5- رؤسای سازمان‌های جهاد و کشاورزی نیز مهارت‌های مورد نیاز برای اشتغال دانش‌آموختگان در سازمان‌های دولتی و خصوصی را به طور مشابه برشمرده‌اند که مجال ذکر آنها نیست.
- 6- مثل بخشنامه‌ای به امضای معاونت ریاست جمهوری، مبنی بر تأکید مجدد بر منع ادامه تحصیل نیروهای قراردادی.
- 7- البته اقدامات دیگری مانند: تشکیل تعاونی‌های دانشجویان و دانش‌آموختگان ایجاد بانک اطلاعاتی و خدمات مشاوره‌ای، تخفیف و معافیت مالیاتی و... نیز در این دانشگاه انجام شده که ارتباط مستقیم با بحث ندارد.
- 8- تصویب نهایی تغییرات رشته‌ها بر عهده ستاد سیاست‌گذاری برنامه‌های آموزشی و تصمیم‌گیری در مورد تشکیل گروه بر عهده هیأت رئیسه و هیأت امناء است.
- 9- به نقل از مدیر کل تعاون استان قزوین در سایت خبرگزاری جمهوری اسلامی.
- 10- جاذبه‌ها، مشغولیت‌ها و عوامل خطرسازی که دانشجویان را از فضای فعالیت‌های مفید دانشجویی و کسب مهارت دور می‌کند به تفصیل در (ترابی مهربانی، 1385) آمده است.
- 11- مدیر دفتر سازمان همیاری اشتغال فارغ‌التحصیلان در مصاحبه با هفته‌نامه بازار کار، 4 بهمن 1384.

منابع

- اجلالی، پرویز (1386). بازسازی و توسعه علوم اجتماعی با نگاهی به ساختار برنامه درسی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- احمدی لاری، رکن‌الدین و فرزانه، فرزین (1375). بررسی رشته کتابداری و اطلاع رسانی از دید فارغ‌التحصیلان و دانشجویان این رشته در شیراز. فصلنامه علوم اطلاع‌رسانی، دوره 11، شماره 4.
- اشرفی، م؛ مهربانیان، الف و احمد پورکاخکی، الف (1386). بررسی نظام بهره‌برداری خردو دهقانی در کشاورزی ایران: تنگناها، سیاست‌ها و راهکارهای حمایتی. ششمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- ایران پور انارکی، سینا (1387). رشته‌های سخت، فارغ‌التحصیلان بیکار. روزنامه جام جم، 1387/4/1.
- براتی مارنانی، احوذ؛ تورانی، سوگند و ظهیری، منصور (1385). طراحی ساختار سازمانی مراکز کارآفرینی در دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور. مدیریت سلامت، شماره 23.
- برزویی، رجبعلی (1388). سخنرانی افتتاحیه همایش مطالعات میان رشته‌ای، مؤسسه مطالعات فرهنگی اجتماعی، تهران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، 22 و 23 اردیبهشت.
- بینقی، تقی (1382). تأملی بر الگوی مناسب برنامه‌ریزی درسی برای ایجاد اشتغال. اولین همایش ملی نظام آموزش عالی و اشتغال، جهاد دانشگاهی، دانشگاه تربیت مدرس، 29 و 30 مهر.
- بینقی، تقی (1380). ارزیابی اثربخشی برنامه‌های آموزشی علمی کاربردی در پاسخ به نیاز کارفرمایان، طرح جامع نیازسنجی نیروی متخصص و سیاستگذاری توسعه منابع انسانی کشور. مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، 1380.
- ترابی مهربانی، مهدی (1385). تعامل سازنده دانشگاه و صنعت در کارورزی. مصاحبه با مدیران منابع انسانی و آموزش شرکت پاکسان، سازمان همیاری اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها.
- ترابی مهربانی، مهدی (1385). ضرورت توانمندسازی دانشجویان در دوران تحصیل. سازمان همیاری اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها.

ترک نژاد، احمد (1379). امکان سنجی بهره‌گیری از متخصصین کشاورزی، رهیافتی در ارتقاء بهره‌وری عوامل تولید کشاورزی و روستایی، همایش بررسی مشکلات و چشم‌انداز اشتغال دانش‌آموختگان. پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.

جلالی، خداکرم (1382). مصاحبه با رئیس سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی، همشهری، 30 مرداد.

خواجه دلوثی، محمد (1382). آموزش متناسب با نیاز، آموزش معطوف به اشتغال. مجموعه مقالات اولین همایش اشتغال و نظام آموزش عالی کشور، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت مدرس.

دهقان، سهراب؛ سوهانی دربان، علیرضا و فکری، لاله (1386). مجموعه مقالات ششمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران، انجمن اقتصاد کشاورزی ایران، دانشگاه فردوسی مشهد.

ذوالفقاری، مهدی (1384). نگاهی به طرح کارورزی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در برنامه چهارم توسعه. مجموعه مقالات دومین همایش اشتغال و نظام آموزش عالی کشور، تهران دانشگاه تربیت مدرس، اردیبهشت 1384.

میرزایی ملاحمد، رحیم؛ شامخی، تقی؛ ناقلی، محمدعلی؛ زاهدی، قوام‌الدین و جزیره‌ای، محمدحسین (1385). رابطه آموزش عالی و کارایی و اشتغال دانش‌آموختگان: دیدگاه اساتید، مدیران و دانش‌آموختگان: بررسی موردی آموزش جنگل. فصلنامه پژوهش و سازندگی، شماره 73، زمستان، ص 11.

رحیمی، حسین (1387). متقاضیان کار، باسواد اما بی‌مهارت. مصاحبه با روزنامه ایران، 1387/10/23.

رضائی محمد و پاشا، نورالله (1387). ارزیابی عملکرد نظام آموزش عالی: مطالعه موردی مؤسسه‌های آموزشی علمی کاربردی (ترمیک و پودمانی) در شهر تهران. مجله آموزش عالی ایران، تابستان.

روحی، علیرضا (1385). شناسایی و بررسی مهارت‌ها و ویژگی‌های شخصیتی فارغ‌التحصیلان شاغل. گزارش کارورزی مقطع کارشناسی ارشد، سازمان همیاری اشتغال دانش‌آموختگان.

- زمانی، غلامحسین و محمودی، حسین (1385). بخش خصوصی جایگاهی مستعد برای جذب فرهیختگان کشاورزی. فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد کشاورزی، سال چهاردهم، شماره 54.
- زمانی، غلامحسین (1380). برآورد نیروی متخصص مورد نیاز و آسیب‌شناسی اشتغال دانش‌آموختگان بخش کشاورزی کشور. از مجموعه انتشارات طرح جامع «نیازسنجی نیروی انسانی متخصص و سیاستگذاری توسعه منابع انسانی کشور»، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- ساکتی، پرویز (1380). بررسی رابطه ابعاد اشتغال در بخش غیردولتی با ویژگی‌های فردی، رشته تحصیلی و فعالیت‌های اقتصادی دانش‌آموختگان شاغل در استان‌های جنوبی کشور. طرح جامع نیازسنجی نیروی متخصص و سیاستگذاری توسعه منابع انسانی کشور، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- سلیمی، حسین؛ چیدری، محمد و پزشکی راد، غلامرضا (1384). تأثیر آموزش‌های رسمی کشاورزی در اشتغال و کارآیی فارغ‌التحصیلان. دومین همایش اشتغال و نظام آموزش عالی کشور، جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- شجاعی، محمدرضا (1384). پاسخگویی رشته تحصیلی دانشجویان به نیازهای بازار کار. دومین همایش اشتغال و نظام آموزش عالی کشور، جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- صبوری، فرحناز (1381). بررسی و تحلیل بیکاری دانش‌آموختگان آموزش عالی. سمینار ارائه نتایج طرح نیازسنجی نیروی انسانی متخصص و سیاستگذاری توسعه منابع انسانی کشور، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، تهران.
- فتحی و اجارگاه، کورش (1377). اصول برنامه‌ریزی درسی. انتشارات ایران زمین، تهران.
- فرنود احمدی، فرشید و عبادی، حمید (1387). بررسی تحلیلی مسائل و مشکلات صنعت ژئوماتیک در جذب کارشناسان این رشته در ایران و ارائه راهکارهای مناسب. همایش ژئوماتیک، سازمان نقشه‌برداری کشور.
- فلاح آزاد، شیرزاد و هاشمی، حمید (1384). مهارت‌های عمومی (نگرشی اجمالی بر تعریف مهارت‌های عمومی). سازمان همیاری اشتغال فارغ‌التحصیلان، اداره مطالعات و برنامه‌ریزی.

محمدزاده نصرآبادی، مهناز؛ پزشکی راد، غلامرضا و چیدری، محمد (1385). وضعیت اشتغال، توانمندی شغلی و موفقیت شغلی دانش‌آموختگان آموزش‌های عالی علمی کاربردی در بخش کشاورزی. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره 12، شماره 39.

محمدنژاد عالی زمینی، یوسف (1378). بررسی ساختار برنامه‌ریزی درسی رشته زبان و ادبیات فارسی. مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، گروه تکنولوژی آموزشی.

مرکز کارآفرینی دانشگاه صنعتی شریف (1388). نساجی: وزنه فراموش شده صنعت در ایران، 10 خرداد 1388.

مسلمی نائینی، حسن (1387). متقاضیان کار، با سواد اما بی‌مهارت. مصاحبه با روزنامه ایران.

مقنی‌زاده، محمدحسن (1380). ارزشیابی اثربخشی دوره‌های علمی کاربردی، طرح جامع نیازسنجی نیروی متخصص و سیاستگذاری توسعه منابع انسانی کشور، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

مهرمحمدی، محمود (1381). برنامه درسی، نظرگاه‌ها، رویکردها، چشم‌اندازها. مشهد: انتشار آستان قدس رضوی.

مولائی، محمد (1383). بررسی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان در صنایع کوچک ایران. تدبیر، سال پانزدهم، شماره 154.

میرزایی، حسین (1382). مصاحبه با روزنامه همشهری، 8 خرداد.

ناصری، پرویز (1385). با تعریف شرایط مناسب: بخش خصوصی بهترین متولی مراکز رشد، مصاحبه با نشریه گفت‌وگو، سال چهارم، شماره دوم.

نوروززاده، رضا؛ محمودی، رضا؛ فتحی و اجارگاه، کوروش و نوه‌ابراهیم، عبدالرحیم (1385). وضعیت سهم مشارکت دانشگاه‌ها در بازنگری برنامه‌های درسی مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره 42.

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (1381). دیدگاه واگذاری اختیارات برنامه‌ریزی آموزشی. پیک آموزش، معاونت آموزش و امور دانشگاهی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (1379). آیین‌نامه واگذاری اختیارات برنامه‌ریزی درسی به دانشگاه‌ها، مصوب 1379/2/10.

وزیری، مزده (1378). نظام برنامه‌ریزی درسی در آموزش عالی ایران: ویژگی‌ها و جهت‌گیری‌ها. پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.

Gaff, Jerry G. and Ratcliff, James. L. (Eds) (1996). *Handbook of the Undergraduate Curriculum: A Comprehensive Guide to Purposes, Structures, Practices, and Change*. Jossey-Bass

OECD (2007). *OECD science, technology, and industry, scoreboard 2007*, pp. 48.

UNESCO (2003). *World Declaration on Higher Education for the 21st Century: Vision and Action*, Available at: [www, Cepes. ro/hed/meeting/gelsenkirchen/pdf](http://www.cepes.ro/hed/meeting/gelsenkirchen/pdf).